



تعلیم و تربیت هم با دنیای اندیشه‌ها و هم با دنیای فعالیت‌های عملی سروکار دارد. عقاید خوب به کردار خوب رهنمون می‌شوند و کردار نیکو اندیشه‌های خوب به دنبال دارد. با مطالعه آرا و افکار متعدد فلسفی درمی‌یابیم، هر یک از آن‌ها روش خاصی را برای تعلیم و تربیت انسان ارائه کرده‌اند. **شهید مطهری** بدون شک یکی از برجسته‌ترین متفکران جهان اسلام است. اهمیت ایشان در جامع‌الاطراف بودن و روشمند بودن نظام فکری ایشان است (سکینه ملکی، ۱۳۹۵: ۶۳). مری به چیزهایی نیاز دارد که فلسفه قادر است آن‌ها را فراهم کند؛ یعنی درک جریان‌های فکری، طبیعت، اندیشه‌ها، زبانی که برای تبیین تعلیم و تربیت به کار می‌بریم، و چگونگی تعامل این‌ها با امور عملی. از دیدگاه مری، فلسفه فقط ابزاری تخصصی نیست، بلکه شیوه‌ای است برای بهبود کیفیت زندگی. زیرا فلسفه به ما کمک می‌کند به چشم‌انداز وسیع‌تر و عمیق‌تری از وجود انسان و جهان پیرامون دسترسی پیدا کنیم (اوزمن و کراور، ۱۳۸۷: ۱۹).

مدرسه زمینه‌ای سازمان‌یافته برای کسب شایستگی‌های فردی و جمعی لازم به‌منظور درک موقعیت خود و دیگران و بهبود پیوسته آن از سوی متریبان است. در واقع، تربیت رسمی و عمومی، شکلی از فرایند تربیت است که در مدرسه یا تحت نظارت و مدیریت مدرسه صورت می‌گیرد (محبی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵).



نیاده‌یزایی

دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، مدیر دبیرستان متوسطه اول یاس نبی (س)

معلمی از منظر استان مطهری





هدایت می‌کند که غیر از عبادت حقیقی را اصلاً عبادت تلقی نکنند. این ویژگی مدرسه مطلوب، در پاسخ استاد به هدف از خلقت انسان استنتاج شده است که غایت خلقت انسان را عبادت می‌داند و پرستش خدا را به‌عنوان هدف از خلقت انسان مطرح می‌کند. در دنیای به‌اصطلاح مدرن و صنعتی امروز، مدرسه مطلوب آموزش دین و دین‌داری را در برنامه‌های خود به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌کند که بر خلاف آنچه امروز دشمنان دین و مذهب ادعا می‌کنند، بنا به گفته استاد مطهری، فراگیرندگان بدانند که دین مولود جهل نیست. اگر این‌طور باشد، پس در بین علما نباید دین‌داری باشد. تربیت اعتقادی بدون توجه به عبادت و تربیت عبادی ارزش ندارد، هم‌چنان که درخت میوه‌ای که

به بار ننشیند ارزش ندارد (داودی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).
تربیت بر مبنای فطرت توحیدی، یعنی فعالیت‌های منظم و منطقی برای تربیت ابعاد وجودی انسان در قالب دین، به‌گونه‌ای که متربی به اصول عقاید، اخلاق و احکام، شناخت و ایمان پیدا کند و این شناخت به عمل پایدار در او منجر شود

ارزش نداشتند (داودی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).
 تربیت بر مبنای فطرت توحیدی، یعنی فعالیت‌های منظم و منطقی برای تربیت ابعاد وجودی انسان در قالب دین، به‌گونه‌ای که متربی به اصول عقاید، اخلاق و احکام، شناخت و ایمان پیدا کند و این شناخت به عمل پایدار در او منجر شود. در این صورت به هدف تربیت دینی، یعنی عبادت و بندگی خداوند، خواهد رسید.

ارتباط مباحث درسی با معارف دینی و جبران ناگفته‌های کتاب، تغییر شیوه ارزشیابی درس‌های دینی از حالت حفظی به عملی و تحلیل مفاهیم، استفاده از داستان و ارائه الگو در جهت درک بهتر معارف دین و گروه‌بندی دانش‌آموزان برای افزایش اختیارات و عزت‌نفس آن‌ها را می‌توان از روش‌های مؤثر در تربیت دینی مبتنی بر فطرت توحیدی متربیان برشمرد (همان، ص ۹۸).

در مدرسه مطلوب، آموزش داده می‌شود که هر قدر هم صنعت پیشرفت کند و اجتماع خود را پیشرفته بداند، اما اصول اخلاق انسانی یکی است. معیارهای انسانیت ثابت است، چرا که ریشه‌اش فطرت الهی است.

مدرسه مطلوب، در جلساتی که برای والدین برگزار می‌کند، به ایشان متذکر می‌شود، هر مولودی بر فطرت الهی متولد می‌شود. این والدین و محیط هستند که این‌ها را تغییر می‌دهند. خارج از خودمحوری، انسان در وجدان خود برای این گرایش‌ها نوعی قداست قائل است.

در مدرسه مطلوب، انسان به‌عنوان موجودی مورد آموزش و تربیت قرار می‌گیرد که عاشق خدا باشد و خدا را عاشقانه عبادت کند. بنابراین، فقط معدل بالا و مانند این‌ها ملاک

بی‌شک مدرسه مطلوب فلسفه و منشوری برای تربیت دانش‌آموزان دارد. از آن زمان که تلاش گسترده برای جدایی انسان از دین الهی آغاز شد و انسان عصر حاضر به مذاهب اصالت فرد، اصالت ماده و اصالت علم روی آورد و با فراموش کردن خدا، به فرموده قرآن، به خودفراموشی مبتلا شد، سرگشتگی و حیرتی عمیق و خسارتی عظیم دامن‌گیر انسان گردید (تاج‌دینی، ۱۳۸۵: ۳). بنابراین، ضرورت به تصویر کشیدن فضایی مطلوب از آموزش و پرورش و ایجاد و تقویت شناختی عمیق از تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر نظریه فطرت‌گرایی توحیدی، موضوعی انکارناپذیر است. برنامه‌ریزان، معلمان و دانش‌آموزان در جریان تعلیم و تربیت مدرسه‌ای تا چه اندازه از چشمه پاک و گوارای فطرت بهره‌مندند؟ و فطرت را ام‌المعارف بشر می‌دانند؟

ممکن است مدرسه‌ای در بعد آموزشی بسیار موفق عمل کرده باشد، به طوری که شاهد پیشرفت چشمگیر فعالیت‌های آن باشیم، اما در ابعاد معنوی و اخلاقی دچار ضعف‌های غیرقابل جبران باشد (صمدپور، ۱۳۷۶: ۲۳).

به عقیده استاد مطهری، انسان برحسب اصل خلقت یک سلسله استعدادهای فطری دارد و مایه اصلی وجدان انسان، فطرت خدادادی اوست (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲).

انسان در وجود خود برای این گرایش‌ها نوعی قداست قائل است. انسان به هر میزانی که از این گرایش‌ها برخوردار باشد، متعالی‌تر می‌شود (۵۳ - ۷۳).

از قدیم‌ترین ایام، پرستش خدای یگانه وجود داشته است و این را دیرینه‌شناسی نیز ثابت کرده است. آیا دین مولود جهل است؟ دین مولود جهل نیست، اگر این جور است، باید همین قدر که مردم عالم شدند، دین خود به خود مسخ شود. یعنی در بین طبقات علما، نباید دین‌داری وجود داشته باشد. دین جان دارد. یعنی فطری است. فطرت بشر را نمی‌توان کشت. طبق منطق دین و اسلام، توحید قبل از شرک وجود داشته؛ یعنی شرک منحرف‌شده توحید است. این همان چیزی است که با حساب‌های مادی جور در نمی‌آید. تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۷: ۱۱۶).



انسان خود حقیقی‌اش را در عبادت و در توجه به ذات حق پیدا می‌کند و می‌یابد (مطهری، ۱۳۷۲: ۲۰۶). قرآن می‌فرماید: «غایت خلقت انسان و موجود دیگری که آن را جن می‌نامد، عبادت است (الذاریات/۵۶)». «انسان آفریده شده است که خدا را پرستش کند و پرستش خدا، خود هدف است. از نظر قرآن انبیا آمده‌اند برای اینکه بشر را به سعادت خودش که غایت سعادت از نظر آن‌ها پرستش خداوند است، برسانند (همان، ص ۱۹۵-۱۹۴).

در موضوع فطرت توحیدی، مدرسه مطلوب دانش‌آموزان را به سوی عبادت حقیقی سوق می‌دهد، نه عبادت مجازی. بدین معنی که فراگیرندگان را به جایی می‌رساند، یا به مسیری



در راستای فطرت الهی بشر در مدرسه مطلوب اسلامی، همه چیز بوی خدایی می‌دهد و کارگزاران آن در هر کاری می‌سنجند که فرجامش چیست؟ معرفی علمایی چون **آیت الله بهجت**، که انسان وقتی به آن‌ها نگاه می‌کرد، واقعا یاد آخرت می‌افتاد و علمایی چون مرحوم **شیخ جعفر شوشتری**، که وقتی ذکر قیامت می‌شده، ضجه می‌زده است، مصداق‌هایی از انسان‌های خدامحور هستند که دانش‌آموزان با واسطه‌هایی نه‌چندان دور می‌توانند ببینند. اما قرآن سرمشق اصلی این مدرسه‌هاست. اگر سبک زندگی انسان‌محوری باشد، به دنبال لذت‌محوری می‌رود. از این‌رو ممکن است جامعه‌ای مسلمان و به ظاهر دین‌دار باشد، اما خدامحور و بر پایه فطرت الهی نباشد. سبکی که به ظاهر آرامش دارد، اما در واقع آرامش ندارد. کارگزاران مدرسه این نکته را مدنظر قرار می‌دهند که آیا هر کاری که در مدرسه انجام می‌شود، مورد رضای خداوند است یا خیر؟ (جامعه المصطفی‌العالمیه، ۱۳۹۳: ش ۵۶۳۹۵). در این مقال مجال اندک است، اما سخن آخر اینکه در فرایند تعلیم و تربیت بفهمیم و بفهمانیم که سلامت روان اولین اثر توحید در زندگی انسان است، زیرا انسان درمی‌یابد که بنده فقط یک مالک است، نه چندین مالک (مطهری، ۱۳۹۵: ۱۷). ادامه دارد...



تربیت و آموزش بهتر نیست. بلکه، علاوه بر آن، تمام سعی کارگزاران مدرسه بر این است که فراگیرندگان عاشق خدا و بر فطرت توحیدی خود بمانند.

از شیوه‌های تأثیرگذار بر مرتبی این است که این مفاهیم به‌گونه‌ای ارائه شوند که به غیر از دادن بینش، عواطف و احساسات نیز جهت داده شوند، زیرا جنبه عاطفی یکی از ابعاد مهم تربیت است. در واقع، هرچه تربیت واجد حس و زیبایی باشد، در انسان رغبت و انگیزه ایجاد می‌کند. براساس مبنای جذب حس و زیبایی، روش تزئین کلام شیوه مناسبی است. کلام آینه مفاهیم و معانی است. هرچه این آینه مصفا باشد، به همان میزان بر شفافیت و نفوذ مفاهیم و معانی خواهد افزود. از این‌رو لازم است مربی بنگرد که معانی و مفاهیم مورد نظر را در برابر چه آینه‌ای قرار می‌دهد. قرآن که سخن خداوند است، این شیوه را در اوج نمایان می‌کند. در این صورت به وسیله جذب عواطف و احساسات متریبان، زمینه‌ای برای رشد تفکر در این موضوع فراهم می‌شود. هنر مربی «آفرینش زیبایی» در ارائه پیام تربیتی است. البته زیبایی تنها در ظاهر پیام و بیرون از ذهن مرتبی مطرح نمی‌شود، بلکه حس زیباشناسی و تعامل دو جنبه بین مربی و مرتبی در قالب کنش روانی - عاطفی است که به زایش زیبایی منجر می‌شود. جوان موجودی عاطفی، زودرنج و شکننده است. اگر با جوان با همدلی و احترام برخورد شود، به‌سهولت می‌توان در قلب او نفوذ کرد (باقری، ۱۳۸۵: ۱۶۱).

از برنامه‌های اصلی مدرسه مطلوب، تمهید مقدمات برنامه‌های عبادی چون نماز است. به فراگیرندگان و کارگزاران آموزش داده می‌شود که از نماز استمداد و نیرو بگیرند. فهم ارزش خودآگاهی و خداآگاهی از دیگر مؤلفه‌های مدرسه مطلوب است. در این مدرسه فراگیرندگان با فلسفه عبادت آشنا می‌شوند که چیزی نیست جز آنکه انسان خود را بیاید تا خدا را بیاید. آن‌ها معتقدند، کسانی که در مقام عبودیت بالا می‌روند، همه ارزش‌های انسانی در آن‌ها قوی‌تر می‌شود. عقل در آن‌ها قوی است، عشق و قدرت نیز در آن‌ها قوی‌تر است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اوزمن، هواردا و کراور، سمولام. (۱۳۸۷). مبانی فلسفی تعلیم و تربیت. ترجمه گروه علوم تربیتی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). تهران.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۵). **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**. مدرسه. تهران.
۴. تاجدینی، علی (۱۳۸۵). **تعلیم و تربیت اسلامی در پرتو کلام استاد شهید مطهری**. مؤسسه فرهنگی برهان. تهران.
۵. جامعه المصطفی‌العالمیه. ۱۳۹۳: ش ۵۶۳۹۵
۶. داودی، محمد (۱۳۹۰). **سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)**. ج ۳. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم.
۷. صمدپور، فریده (۱۳۷۶). **بررسی نظرات والدین دانش‌آموزان دبیرستان‌های منطقه ۳ تهران نسبت به وضعیت آموزشی**. شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.
۸. محبی، عظیم و همکاران (۱۳۹۴). **مدرسه در آینه تعالی**. معین. تهران.
۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). **جهان بینی توحیدی**. صدرا. تهران.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۹۷). **توحید**. صدرا. قم.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). **مجموعه آثار**. ج ۱، ج ۲، ج ۳ و ج ۶ و ج ۷. صدرا. تهران.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). **فطرت**. صدرا. تهران.
۱۳. ملکی، سکینه (۱۳۹۴). **بررسی مفاهیم انسان‌شناسی، هستی‌شناسی، شناخت‌شناسی و ارزش‌شناسی از دیدگاه شهید مطهری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. چاپ نشده. دانشگاه پیام نور، مرکز همدان.